

فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی
سال ششم - ویژه نامه نوروز 1405 - شماره 25 - ص 104-129
روش های تربیت فرزند در سیره ی حضرت زهرا (سلام الله علیها)

لیلا سرمستی^۱

چکیده

دین اسلام ، دوران کودکی را مهم ترین دوره های آموزشی و شکل گیری شخصیت برای انسان می داند و نقشه های آموزشی و تربیتی را از نظر ثبات ماندگاری و تاثیر ، مانند حکاکای بر سنگ می داند حضرت فاطمه (سلام الله علیها) به عنوان یکی از بزرگترین مادران و الگوهای تربیتی در اسلام ، ارزش ها و اصول و مفاهیم اسلامی ارزشمندی را به فرزنداناش القاء کرد. این ارزش ها، به عنوان ستون های اصلی تربیت و تشکیل شخصیت فرزندان ، از بعد اخلاقی ، دینی و انسانی بسیار مهم بودند و والدین می بایست این اصول را به فرزندان خود یادآوری کنند این به روش کتابخانه ای جمع آوری شده است و به شیوه های فرزند پروری حضرا زهرا (سلام الله علیها) اشاره شده است.

واژگان کلیدی: تربیت ، سیره ، روش های تربیتی ، حضرت زهرا (س)

1. طلبه سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته مشاوره خانواده با رویکرد اسلامی، حوزه علمیه حضرت ولیعصر(عج) خواهران، بناب، آذربایجان شرقی.

مقدمه

خانواده یکی از مهم ترین ارکان جامعه است و عوامل موثر در تربیت و استحکام آن از مباحثی است که در قرآن کریم و سیره معصومین (ع) مورد توجه است. اسلام، شخصیت آینده کودک را مرهون تربیت و پرورش و مراقبت پدر و مادر می داند. تمام حرکات و سکنات و کردار و گفتار پدر و مادر بر روح و ساس و لطیف فرزند تاثیر می گذارد هر فرزندى نماینده رفتار پدر و مادرش است. پدر و مادر وظیفه دارند که با کمال دقت مراقب آینده کودکشان باشند و مواظب باشند کودک بی گناه که نهادش بر خوبی آفریده شده است فاسد نگردد فرزندانى که دارای شخصیتی سالم و با ثبات بوده و در آینده بتواند نقش پیش برنده و مفیدی ایفا کند زندگی حضرت فاطمه سر شار از تو صیه های اخلاقی اعتقادی و عبادی است که التزام به آنها باعث تربیت و تقویت خانواده و در نتیجه تربیت فرزندان نیکو می شود. در این مقاله به شیوه های فرزندپروری حضرت زهرا اشاره شده است

1- مفهوم شناسی

در این قسمت معانی واژه های پرکاربرد در فرزندپروری و واژه های کلیدی بررسی می شود.

1-1 تربیت در لغت

تربیت در لغت به معنای: 1- پروردن ، پروراندن ؛ پرورش دادن . 2- ادب و اخلاق را به کسی یاد دادن است. (فرهنگ فارسی عمید) .

تربیت واژه ی عربی است که در فارسی به پروردن ، پروراندن آموختن و مانند این معنا شده است. (علی اکبر دهخدا ، لغت نامه ؛ ج 5 ص 6601). این واژه اگر از «ربو» باشد به معنای رشد ، بالا بردن و غذا دادن به آن نهفته است. (محمد بن مکرّم ابی منظور؛ لسان العرب؛ ج 5 صفحه 126) و اگر از «ربب» باشد به معنای ایجاد تدریجی یک چیز و به کمال رسیدن آن (ح سین راغب اصفهانی؛ مفردات الفاظ القرآن؛ ص 336) و سرپرستی ، رسیدگی ، تغذیه و تأدیب را می رساند. (ابراهیم انیس و دیگران؛ المعجم الوسیط ص 321) در هر حال در واژه تربیت معنای رشد ، نمو ، تدریجی بودن و شکوفا ساختن نهفته است.

واژه شناسان برای واژه تربیت معنای گوناگونی بیان کرده اند که عبارتند از: پروردن ، پروراندن ، پرورش ، پروردن کودک تا بالغ شود و آداب و اخلاق را به کسی آموختن و ...

از مجموع سخنان واژه شناسان می توان دریافت که تربیت در مورد انسان عبارتند از «فراهم کردن شرایط و زمینه های رشد استعدادهای مادی و معنوی و روانی و ذرونی انسان برای رسیدن تدریجی به کمال مطلوب».

2-1 - تربیت در اصطلاح

تربیت در اصطلاح عبارت است از فعالیتی مستمر و منظم در جهت کمک به رشد جسمانی، شناختی، اخلاقی و اجتماعی و به طور کلی پرورش و شکوفایی استعداد های متربی که به ویژه در رفتار های او ظاهر خواهد شد.¹

برخی دیگر معتقدند تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعداد های نهفته اش را در تمام ابعاد وجود و به صورت هماهنگ پرورش دهد و شکوفا سازد و به تدریج به سوی هدف و کمال مطلوب حرکت کند.²

شهید مطهری معتقد است، تربیت عبارت است از به فعلیت در آوردن استعداد های درونی و ذاتی موجودات جاندار مانند گیاه، حیوان، انسان یا شکوفا کردن استعداد های دورنی جانداران.³ تربیت در اصطلاح دیگر یعنی فعالیتی هدفمند و دو سویه میان مربی و متربی برای کمک به متربی در تحقق بخشیدن به قابلیت های وی و پرورش شخصیت او در جنبه های گوناگون فردی و اجتماعی، جسمی و عاطفی، اخلاقی و عقلانی و ...⁴

در تعریف دیگر آمده است که تربیت به معنای ایجاد کردن و یا فعلیت بخشیدن هر نوع کمال در انسان است که مطلوبیت و ارزش داشته باشد.⁵

شهید مطهری نیز تربیت را چنین تعریف می کند تربیت یعنی پرورش دادن استعداد های واقعی انسان.⁶

در توضیح تربیت شهید مطهری آورده است که فن تربیت وقتی گفته می شود که منظور مطلق پرورش باشد به هر شکلی این دیگر تابع غرض است که طرف را چگونه و برای چه هدفی پرورش دهیم. (همان / ص 576)

شهید مطهری (ره) بر آن است که تربیت عبارت است از «پرورش دادن، یعنی استعداد های درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت در آوردن و پروردن».⁷

1. درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، محمدعلی حاجی ده آبادی، ص 12

2. کتاب زمینه تربیت، علی قائمی، سال نشر 1356 ص 23

3. تعلیم و تربیت در اسلام ص 35 (نویسنده مرتضی مطهری)

4. بهشتی، 1387 ص 35

5. ابراهیم زاده، فلسفه و تربیت 1392، ص 29

6. مطهری، بی تا، ج 22، ص 552

7. حسین کاظم زاده، ایرانشهر، اصول اساسی فن تربیت، ص 14

در تعریف دیگر آمده است که تربیت هر گونه فعالیت است که معلم، والدین یا هر شخص دیگری به منظور اثرگذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار یک فرد بر اساس اهداف از پیش تعیین شده انجام دهد.¹

درباره اهمیت و ارزش تربیت امیرالمومنین علی (ع) فرمودند: «مَنْ تَأَدَّبَ بِأَدَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَدَّاهُ إِلَى الْفَلَاحِ الْمَدَائِمِ» امام علی می فرماید: هر که به آداب خداوند عزوجل مودب شود آن تربیت او را به رستگاری جاوید می رساند.²

امیرالمومنین علی (ع) ضمن وصیتش به فرزندش امام حسین (ع) می فرماید: الْأَدَبُ خَيْرٌ مِيرَاثٍ خَيْرٌ مَا وَرَثَ الْأَبَاءُ الْأَبْنَاءَ الْأَدَبُ. (غروالاحکم 5036) بهترین چیزی که پدران برای فرزندان به میراث می گذارند ادب است.

هدف تربیت، رسیدن به کمال مطلوب است. هریک از ذرات عالم پیوسته به سوی کمال در حرکت است. انسان نیز در حال حرکت به سوی کمال خویش از تاریکی به روشنایی از درستی به لطافت و از نادانی به معرفت است.³

1-3- روش

به معنای شیوه، اسلوب، گونه، راه، قاعده، قانون به کار رفته است.⁴

روش در اصطلاح به مجموعه شیوه ها و تدابیری گفته می شود که برای کشف و شناخت حقیقت و دوری از لغزش به کار برده می شود. روش در معنای عام امری است که مطلوبیت بالغیر دارد و چگونگی رسیدن به مطلوب و هدف را نشان می دهد و به عبارتی روش مسیری است که از یک مبدا تا مقصد طی می شود.⁵

1-4- روش تربیتی

در مورد روش تربیتی تعریف های متعددی ارائه شده است از جمله «روش تربیتی عبارت است از شیوه ی انتقال بینش ها و ارزش ها به متربی؛ روش های تربیتی بر اساس مبانی و اصول تربیتی و در راستای اهداف شکل می گیرد.⁶ مقصود از روش، راه و طریقه ای است که میان اصل و هدف امتداد دارد و عمل تربیتی را منظم می کند و به هدف می رساند.⁷

1. حسین زاده، ج 1، ص 13

2. بحارالانوار، ج 92، ص 214، آخر روایت 13

3. حسین کاظم زاده، ایرانشهر ف اصول اساسی فن تربیت، چاپ چهارم، تهران: اقبال، بی تا، ص 22

4. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج 8، ص 12378.

5. محمدرضا قائمی مقدم، روش های تربیتی در قرآن، ج 1، ص 10.

6. احمد رهنمایی، فلسفه تعلیم و تربیت، ص 81 و 82.

7. محمدباقر هوشیار، اصول آموزش و پرورش، ص 18.

مراد از روش های تربیتی، شیوه ها و رفتارهایی است که مربی برای تحقق اهداف تربیتی به کار می بندد تا متربی به هدف نهایی تربیت برسد. خواجه نصیرالدین طوسی در روش تعلیم و تربیت چنین می گوید:

1-5- سیره

واژه شنا سان معنای متعددی برای کلمه «سیره» بیان کرده اند مانند: روش، طریق، سنت (فیومی، 2001، م، ص 361). شماری نیز سیره را مثل «مطره» بر وزن «فعله» گرفته اند که بر نوع و سبک رفتار دلالت می کند (طریحی، 1362، ج 3، ص 340) سیره در اصطلاح نیز در معانی متفاوتی به کار رفته و تعریف واحد و مورد وفاتی برای آن ارائه نشده است. علامه طباطبائی آن را به معنای طریقه و حالت دانسته که برگرفته از مفهوم لغوی آن است.¹

علامه مرتضی مطهری به دلیل هم وزن بودن سیره با فعله سیره را نوع و سبک خاص رفتار دانسته و معتقدات رفتاری که دارای روش و سبک ویژه باشد مصداق سیره است.² بعضی نیز سیره را مطلق قول و فعل معصومان می دانند.³ در این تلقی گفتار به دلیل اینکه جزء رفتار آدمی است از نظر چگونگی صدور از گوینده می تواند سیره محسوب شود.

در این پژوهش مراد از سیره یعنی مطلق قول و فعل حضرت زهرا (س) است.

2- سیره رفتاری حضرت زهرا (س) در تربیت فرزندآوری

یکی از مهم ترین عوامل تربیت مادر است. اگر مادر اهل عبادت و بندگی باشد فرزندان در خانه با مشاهده ی مادر به این سمت کشیده می شوند.

نکته: حتی مواقعی که زن در ایام عادت به سر می برد خوب است که جانماز پهن کند و مشغول ذکر و دعا شود تا فرزندان به او شک نمایند که چرا مادر در این ایام نماز نمی خواند.⁴

او بهترین مادر بود از این جهت که فرزندان که تربیت کرد همگی یا در راه خدا شهید شدند یا به اسارت رفتند، فرزندان حضرت فاطمه زهرا (س) تمام زندگی خویش را وقف خدا و دین او کردند.

¹ - طباطبائی، 1374، ج 14، ص 199.

² مطهری 1384، ص 47

³ - امینی زاده، 1391، ص 10.

⁴ - توضیح المسائل مراجع، ج 1، ص 285، م 476؛ مستحب است زن در وقت نماز خود را از خون پاک نماید و پنبه و دستمال را عوض کند و وضو بگیرد و اگر نمی تواند وضو بگیرد تیمم نماید و در جای نماز رو به قبله بنشیند و مشغول ذکر و دعا و صلوات باشد.

او بهترین مادر بود چون که به خوراک روح فرزندانش نیز اهمیت می داد و فقط به فکر خوراک جسم نبود. بچه ها را در شب قدر بیدار نگه می داشت و در بعضی مواقع آن ها را همراه پدر به مسجد می فرستاد و به آن ها انفاق کردن و رسیدگی به حال فقرا را آموزش می داد. مادر از موثرترین عواملی به حساب می آید که می تواند تاثیر فراوان در رشد شخصیت فرزندان داشته باشد. تاثیر مادر در تربیت فرزندانش شایسته و صالح آن چنان مهم است که امامان معصوم (ع) به داشتن مادران باتقوا و پاکدامن افتخار می نمودند.

امام حسین (ع) برای معرفی خویش به کسانی که تحت تاثیر تبلیغات سوء حکومت بنی امیه به رویارویی با ایشان برخاسته اند از مادران خویش سخن می گویند و می فرمایند:

«أَنْ شَدُّكُمْ اللَّهُ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أُمَّي فَاطِمَةَ بِنْتُ مُحَمَّدٍ؟ قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ، قَالَ: أَنْ شَدُّكُمْ اللَّهُ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَلِبٍ؟ قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ، قَالَ: أَنْ شَدُّكُمْ اللَّهُ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدَّتِي خَدِيجَةَ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ أُولَى نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِسْلَامًا؟» شما را به خدا! آیا می دانید که مادر من فاطمه زهرا (س) دختر حضرت محمد مصطفی (ص) است؟ شما را به خدا! آیا می دانید که خدیجه دختر خویلد نخستین زنی که اسلام را پذیرفت، مادر بزرگ من است.¹

امام حسین (ع) همچنین در گفتار دیگری به آثار تربیت در دامن مادران پاکدامن می پردازد و اثر عمیق آن را در زندگی افراد اینگونه شرح می دهند «أَلَا وَإِنَّ لِلدَّعَى ابْنَ الدَّعَى قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ الْإِسْلَامِ وَالذَّلَّةِ وَهَيْهَاتَ مِمَّا الدَّلَّةُ يَا بِي اللَّهُ ذَلِكَ لَنَا وَرَ سَوْلُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَحُجُورٌ طَابَتْ وَطَهَّرَتْ وَأَنْوَفٌ حَمِيَّةٌ وَنَفُوسٌ أُبِيَّةٌ مِنْ أَنْ تُؤْتَرَ طَاعَةَ اللَّيَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ» ؛ اینک عبدالله ناپاک، فرزند ناپاک مرا در پذیرش یکی از دو راه مرگ یا ذلت مجبور کرده است اما هیهات که ما ذلت و خاری را نمی پذیریم. خدا و رسولش و دامن های پاک و غیرتمندان و عزت مندان نمی پسندند که اطاعت فرومایگان را بر مرگ شرافتمندانه ترجیح می دهیم.²

از امام صادق (ع) است که: طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ أُمُّهُ عَفِيفَةً. خوشا به حال کسی که مادرش پاکدامن است.³

2-1- بچه در شکم مادر

در فرهنگ مقدس اسلام دستور این است که پیش از تولد فرزند (دوران تکوین جنین و دمیدن روح در کودک) پدر و برای فرزند خویش نامی انتخاب کنند.

حضرت امام صادق (ع) به نقل از درانش (ع) فرمودند: حضرت امیرالمومنین (ع) فرموده اند:

¹ - امالی صدوق ص 158؛ غم نامه کربلا ترجمه اللهوف علی قتلی الطفوف ص 8 و 10

² - غم نامه کربلا ترجمه الهوف علی قتلی الطوف ص 121

³ - علل الشرایع ج 2 ص 564 ؛ الفصول المهمه فی اصول الامه ج 3 ص 265

«برای فرزندان خود نامی نیکو انتخاب کنید و اگر نمی دانید پسر است یا دختر آن ها را با نام هایی که بین پسر و دختر مشترک است نام نهید همانا فرزندان که از شما سقط می شوند اگر در دنیا برای آن ها نامی انتخاب نکرده با شید وقتی در روز قیامت شما را ملاقات می کنند به پدر می گوید: چرا برای من نامی قرار ندادی در حالی که پیغمبر (ص) برای حضرت محسن (ع) قبل از اینکه به دنیا بیاید نام نهاد.^۲»

2-2- انتخاب بهترین نام ها برای فرزندان

یکی از وظایف اولیه ولدین در برابر فرزندان خود انتخاب نام نیکو برای آن ها است. پیروی از اسوه های انسانیت، در همه ی مراحل و شئون زندگی سفارش شده است. چرا که اقتدای به خوبان، زندگی را پر از خیر و خوبی ساخته و غذای روحی و کمالات انسانی را به سرعت در انسان احیاء می گرداند. از جمله سفارش شده نام کودکان بر اساس نام ناموران صالح و شایسته انتخاب گردد که این امر علاوه بر آثار مثبت روانی برای کودکان نوعی احیاء و بزرگداشت نام زنان و مردان صالح روزگار است و به تصدیق روایات دارای آثار و سعی نیز می باشد. حضرت فاطمه زهرا (س) در این خصوص دقت و حساسیتی خاص داشت و نام فرزندان خود را از طریق هدایت گری های پیامبر اکرم (ص) انتخاب می نمود. نام هایی که حتی در معنای لفظی نیز زیبایی و ملاحظت دارند که آن نام ها عبارتند از: حسن، حسین، زینب، ام کلثوم محسن (ع).

نام حضرت زهرا (س) به عنوان با برکت معرفی شده که از خانه و خانواده فقر را از خانه بیرون می کند.

قال الامم الکاظم : لَا يَدْخُلُ الْفَقْرُ بَيْتًا فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ أَوْ أَحْمَدَ أَوْ عَلِيٍّ أَوْ الْحَسَنِ أَوْ الْحُسَيْنِ أَوْ جَعْفَرٍ أَوْ طَالِبٍ أَوْ عَبْدِ اللَّهِ أَوْ فَاطِمَةَ مِنْ أَلْسِنِ سَاءٍ. امام کاظم حضرت موسی بن جعفر (ع) می فرمایند: در خانه ای که نام محمد یا احمد یا حسن و حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله یا فاطمه باشد فقر وارد نمی شود.^۳

¹ - عمر بن قنفل بن عمران دستور داد تا با تازیانه ای که در دستش بود فاطمه (س) را بزند، قنفل هم آن قدر با تازیانه به پشت و پهلو مبارک حضرت زد تا اینکه توانست حضرت فاطمه زهرا (س) را از حضرت علی (ع) جدا نماید. جای ضربات بر بدن مبارک و شریف حضرت فاطمه (س) باقی ماند و آن ضربات بیشترین آسیب را به جای گذاشت در سقط جنینی که حضرت فاطمه (س) حامله بود و پیغمبر (ص) نام او محسن گذاشته بود (نوادیر الاخبار فیض کاشانی ص 183)

² علل الشرایع، ج 2، ص 464؛ الخصال ص 634؛ بحار الانوار، ج 10، ص 113، ج 101، ص 128 و ج 43، ص 195؛ وسائل الشیعه، ج 21، ص 387، الکافی، ج 6، ص 18.

³ - الکافی، ج 6، ص 19؛ وسائل الشیعه، ج 21، ص 396

داشتن نامی نیکو: داشتن نام نیکو، تاثیر تربیتی بسیاری بر انسان دارد. چون فرد به مرور زمان خود را مصداق واقعی نام خویش می یابد. اسلام برای تمام شئون زندگی دستورالعمل دارد. بر همین اساس با معارف خویش ریزترین مسائل زندگی را از مبدأ تا معاد پوشش می دهد و بدیهی است که در مجموعه ی کامل دستورالعمل های خویش، از آغاز ولایت فرزند، انتخاب نام نیکو را برای وی سفارش کند.

رسول خدا (ص) فرموده اند:

إِنَّ أَوْلَ مَا يَنْحَلُّ أَحَدُكُمْ وَكَلِمَةُ الْإِسْمِ الْحَسَنَ فَلْيُحَسِّنْ أَحَدُكُمْ إِسْمًا وَكَلِمَةً نَخَسْتِينَ چیزی که هر یک از شما به فرزند خویش پیش کش می کند نام نیکو است. پس باید هر یک از شما نام فرزندان را نیکو قرار دهد.¹

2-3- خواندن اذان و اقامه در گوش نوزاد

یکی از سنت های جاری در زندگی حضرت صدیقه ی کبری (س) گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ فرزند بود. از امام رضا (ع) منقول است که حضرت رسول اکرم (ص) در روز ولادت حسین (ع) در گوششان اذان گفت.² آن حضرت به خوبی می دانست که باید کودک را از همان لحظات اول زندگی با کلماتی چون الله، محمد، نماز آشنا کرد که این آشنایی به یقین در جهت گیری تمایلات روحی او به ملکوت اعلی اثر خواهد گذاشت. از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است: مَنْ وُلِدَ لَهُ مَوْلُودٌ فَلْيُؤَدِّنْ فِي أُذُنِهِ الْيَمْنَى بِأَذَانِ الصَّلَاةِ وَلْيُقِمِّ فِي الْيُسْرَى فَإِنَّهَا عِصْمَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. کسی که برایش فرزندی متولد شود در گوش راست وی اذان و در گوش چپ وی اقامه بگوید که همانا این کار باعث در مان ماندن از شر شیطان رانده شده است.³

2-4- عقیقه و سر تراشیدن نوزاد

یکی از آداب پس از تولد و به نوعی از حقوق فرزند، که در اسلام نسبت به آن تاکید بسیار فراوانی شده، عقیقه نمودن برای نوزاد در روز هفتم ولادت است. «عقیقه» عبارت است از ذبح حیوان حلال گوشت هنگام ولادت نوزاد برای اطعام.

عقیقه کردن برای فرزند مستحب موکد است. امام صادق (ع) بر عقیقه نمودن بسیار تاکید داشته تا جایی که نسبت به آن لفظ «واجب را به کار برده اند: «الْعَقِيقَةُ وَاجِبَةٌ»⁴ شاید به خاطر همین

1 - مستدرک الوسائل، ج 15، ص 127؛ بحالانوار ج 1 / ص 30

2 - عیون اخبار الرضا (ع) ج 2 ص 46

3 - الکافی، ج 6، ص 24، (ی اسلامیة)؛ دعائم الاسلام، ج 1، ص 147

4 - الکافی، ج 6، ص 24 (ط اسلامیة)

روایت است که عده ای از علما آن را واجب دانسته اند هم چنین آن بزرگوار در جای دیگر فرموده اند:

«كُلُّ مَوْلُودٍ مُرْتَهَنٌ بِالْعَقِيقَةِ» سلامتی هر نوزادی در گرو عقیقه است.¹
امام رضا (ع) فرموده اند:

«... الْعَقِيقَةُ عَنِ الْمَوْلُودِ الذَّكْرِ وَوَأَجِبَةٌ» عقیقه از جانب مولود خواه پسر خواه دختر لازم است.²
سیره اهل بیت عصمت و طهارت (ع) این گونه بوده و برای تولد فرزندان خود عقیقه می نمودند و گوشت آن را به نیازمندان می رساندند.
همچنین که حضرت زهرا (س) در تولد فرزندان خود چنین می کردند.

امام رضا (ع) به نقل از پدران خود فرمودند:

أَنَّ فَاطِمَةَ عَقَّتْ عَنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَأَعْطَتِ الْقَابِلَةَ رَجُلًا شَاهٍ وَدِينَارًا؛ حضرت فاطمه زهرا (س) برای فرزندان خود امام حسن و امام حسین (ع) عقیقه کرد و ران گوسفند را همراه مبلغی (یک اشرفی) برای قابله فرستاد.³

2-5- سر تراشیدن نوزاد

یکی از سنت هایی که در بدو تولد بهتر است مورد توجه پدر و مادر قرار گیرد تراشیدن موی سر نوزاد است. مستحب است که در روز هفتم ولادت، موهای سر نوزاد تراشیده شود و در صورت تمکن مالی، هم وزن آن؛ طلا یا نقره، صدقه به فقرا و نیازمندان داده شود. در استحباب این عمل تفاوتی میان نوزاد دختر و پسر نیست.
در روایت آمده است که:

حضرت فاطمه (س) هر گاه صاحب فرزندی می شد برای او گوسفندی عقیقه می داد سپس روز هفتم سر طفل را می تراشید و برابر وزن موهای او نقره صدقه داده، برای قابله و هم سایه ها هدیه می فرستاد و دیگران را در شادی خود سهیم می کرد.⁴
وقتی از امام صادق (ع) علت تراشیدن سر نوزاد را پرسیدند: فرمودند: «تطهير من شعر الرحم؛ علت آن، پاک کردن نوزاد از موی درون رحم است.⁵

¹ - الكافي ، جلد 6، ص 24، (ط اسلامیة)؛ مکارم الاخلاق ، ص 226

² - بحار الانوار ، ج 101 ، ص 110؛ وسائل الشیعه، ج 21 ص 409

³ - عیون اخبار الرضا (ع) ، ج 2 ص 46؛ وسائل الشیعه، ج 21 ، ص 409

⁴ - بحار الانوار ج 43، ص 257

⁵ - من لایحضر الفقیه، ج 3، ص 489، باب 461، ج 19

علی بن جعفر از برادرش حضرت موسی بن جعفر (ع) درباره انجام دادن این عمل پس از روز هفتم پرسید فرمودند: وقتی از هفت روز گذشت، تراشیدن سر لازم نیست.¹

2-6- سوراخ کردن گوش نوزاد

یکی از مستحباتی که برای احکام ولادت در روز هفتم واقع شده است، سوراخ کردن گوش بچه است.²

صاحب کتاب جواهر الکلام می فرماید: نسبت به سوراخ کردن گوش، علمای شیعه با آن مخالفت نکرده اند؛ بلکه هم اجماع محصل و منقول بر این مطلب داریم، هم چنین سیره مستمره هم این کار بوده است و هم چنین روایات را دال بر این است. و اشکال که می گویند: بچه اذیت می شود اجتهاد در مقابل نهی است.³

روای می گوید: امام صادق (ع) می فرمودند:

سوراخ کردن گوش بچه از سنت است و ختنه کردن او در روز هفتم ولادت هم از سنت است.⁴
رسول خدا (ص) به حضرت فاطمه (س) فرموده اند:

دو گوش امام حسن و امام حسین را سوراخ کن بر خلاف یهودیان.⁵

«قال النبی (ص) یا فاطمه ائفبی اذنی الحسن و الحسین خلافاً لیهود»

در بعضی از روایات آمده است که: جبرئیل به پیامبر عرض کرد که: حضرت زهرا (س) بگو که دو گوش حسین (ع) را سوراخ کند.⁶ پس سوراخ کردن گوش سنت شد چه پسر باشد چه دختر.

2-7- اظهار محبت نسبت به فرزندان

اطفال در تمام دوران کودکی به محبت و اظهار علاقه نیازمندند. کودک می خواهد پدر و مادر بیش از دیگران او را دوست بدارند و نسبت به او اظهار علاقه نمایند. کودک چندان توجهی ندارد که در کاخ زندگی می کند یا در کوخ، لباس و خوراکش خیلی اعلاء است یا نه. اما بدین موضوع کاملاً توجه دارد که دوستش دارند یا نه. این احساس درونی کودک را چیزی جز اظهار محبت و نوازش ارضاء نمی کند.

1 - همان: من لایحضر الفقیه، ج 3، ص 489، باب 461، ج 20

2 - برخلاف عرف امروز، در گذشته گوش پسران نیز سوراخ شده و آنان نیز از گوشواره های زینتی استفاده می کردند.

3 - شافعیه مخالف سوراخ کردن گوش نوزاد دختر و پسر هستند؛ زیرا موجب آزار و اذیت کودکان می شود و ضرورت ندارد به خاطر زینت، کودکان در معرض درد و بیماری احتمالی قرار بگیرند. www.blestfamily.com

4 - وسائل الشیعه، ج 21، ص 432، باب 51، ج 1

5 - من لایحضر الفقیه، ج 3، ص 489، باب 461، ج 21

6 - وسائل الشیعه، ج 21، ص 432، باب 51، ج 2

سرچشمه درونی کودک را چیزی جز اظهار محبت و نوازش ار ضا نمی کند. آغوش گرم مادر و نوازش های مخلصانه پدر است که روح بشر دوستی و علاقه ی به هم نوع را در کودک می دهد، برای اظهار هم دردی و کمک به دیگران آماده اش می سازد، نوازش است که کودک را از ترس و تنهایی و ضعف نجات می دهد و به زندگی امیدوار می سازد. مهرورزی ها و بوسه های بی شائبه است که روح خوش بینی و خوش خویی را به او تلقین می کند و او را به سوی زندگی اجتماعی، تعاون و همکاری هداست می نماید. از عزلت گوشه گیری نجاتش می دهد. به واسطه همین نوازش ها است که کودک احساس شخصیت کرده و خودش را لایق دوستی می داند. کودکی که از جهت محبت کمبود داشته باشد معمولاً ترسو، خجول، ضعیف و بدبین، گوشه گیر، بی علاقه، پژمرده و مریض بار می آید.

گاهی هم ممکن است برای اظهار عکس العمل و نشان دادن بی نیازی دست به اعمالی نظیر جنایت، دزدی و قتل نفس بزند تا بدین وسیله از اجتماعی که او را دوست ندارد انتقام گیرد و تظاهر به بی نیازی کند.

پس محبت و نوازش کودک یکی از احتیاجات ضروری او به شمار می رود و برای پرورش او ضرورت دارد.

درس مذکور در خانه حضرت زهرا (س) به طور کامل اجرا می شد و پیغمبر اکرم (ص) عملاً آن را به حضرت فاطمه زهرا (س) یاد می داد.
در روایاتی می خوانیم:

وقتی امام حسن (ع) به دنیا آمد او را در پارچه ی زردی پیچیده خدمت رسول خدا (ص) آوردند فرمودند: مگر به شما نگفتم: نوزاد را در پارچه زرد نیچید سپس لباس های زرد امام حسن را دور انداخت و او را در پارچه ی سفیدی پیچید در بغل گرفت و شروع به بوسیدن کرد و همین عمل را نسبت به امام حسین (ع) نیز انجام داد.¹

در روایتی آمده است: روزی رسول اکرم (ص) به نماز جماعت مشغول بوده هرگاه به سجده می رفت امام حسین (ع) بر پشت او سوار می شد و پاهایش را حرکت می داد وقتی می خواست بر از سجده بردارد امام حسین (ع) را می گرفت و به آرامی کنار می گذاشت پیغمبر (ص) با همین کیفیت نمازش را پایان رسانید یک نفر یهودی که جریان را مشاهده کرد عرض کرد: شما نسبت به کودکانتان طوری رفتار می کنید که ما از آن امتناع داریم! پیغمبر (ص) فرمود: شما هم اگر

به خدا و رسول ایمان داشتید نسبت به کودکان مدارا می نمودید یهودی به واسطه این رفتار پیامبر (ص) مسلمان شد.¹

علامه مجلسی در کتابش می نویسد: روزی رسول خدا (ص) امام حسن (ع) را بوسید و نوازش کرد «اقرع بن حابس» عرض کرد من ده فرزند دارم و لب تا حال هیچ یک از آنان را نبوسیده ام. پیغمبر اکرم (ص) غضبناک شد و فرمود: «اگر خدا محبت را از قلب تو گرفته من چه کنم؟ هر کس نسبت به اطفال ترحم نکند و احترام بزرگسالان را نگه ندارد از ما نیست.²

روزی رسول خدا (ص) از در خانه فاطمه (س) عبور کرد و صدای گریه حسین (ع) را شنید فاطمه (س) را صدا زد و فرمود مگر نمی دانی حسین (ع) مرا اذیت می کند.³

روزی پیغمبر (ص) امام حسن و امام حسین را بر دوش مبارک سوار نموده بود در بین راه گاهی امام حسین (ع) و گاهی امام حسن (ع) را می بوسید. مردی عرض کرد: یا رسول الله این دو کودک را دوست داری؟

فرمود: آری. هر کس امام حسن و امام حسین را دوست بدارد با من دوستی نموده و هر کسی با آنان دشمنی کند با من دشمنی کرده است.⁴

8-2- توجه به نیازهای کودکان

از عوامل موثر در سلامت و نشاط روحی و جسمی فرزند، تغذیه و بهداشت استو تامین اینگونه نیازها جسم و روح کودک را آرام و آسوده نگه می دارد، سلامتی و صلابت روح او را تا پایان عمر تضمین می کند و ناهنجاریهای فراوانی که در انسان های بزرگ دیده می شود به نوعی ریشه در نیازهای این دوره از زندگانی آن ها دارد. علاوه بر این نباید از تاثیرگذاری متقابل روح و جسم غافل بود بی شک، یک جسم بیمار، روح را پژمرده و بی نشاط می سازد همان گونه که روح افسرده، موجب اختلال در فعالیت های بدن می گردد.

بارها در تاریخ خوانده ایم که گاه، فاطمه زهرا (س) شکم فرزندان خود را به قیمت گرسنگی خود سیر می کرد زمانی که مسلمانان به علت کمبود آب، سخت در مضیقه بودند فاطمه (س)، حسین و حسن را نزد پیامبر (ص) برد و عرض کرد اب رسول خدا فرزندان من خرد سالند و تحمل تشنگی در توان آن ها نیست پیامبر (ص) که نگرانی دخترش را در این رابطه بجا و به موقع دید، زبان مبارکش را در دهان حسن و حسین قرار داد و با تر کردن دهان آن ها، حضرت زهرا (س) را از نگرانی درآورد و آن دو طفل کوچک را از نیز از تشنگی مفرط نجات داد.

1 - بحارالانوار ، ج 43 ، ص 296

2 - بحالانوار ، ج 43 ، ص 282

3 - بحالانوار ، ج 43 ، ص 295

4 - بحالانوار ، ج 43 ، ص 299

عطوفت و مهر مادری در حضرت زهرا (س) بقدری بود که در لحظات پایانی عمر خود، سخت نگران حال فرزنداناش بود. شاید بیشترین نگرانی آن حضرت برای محرومیت آن ها از مادر بود، زیرا او می دانست که پس از شهادتش هیچ کس نمی تواند مهر و محبت مادری را نسبت به آن ها داشته باشد. فاطمه زهرا (س) برای اینکه فرزنداناش را از این نعمت بزرگ یعنی محبت مادرانه کاملاً محروم ننماید، به حضرت علی (ع) پیشنهاد کرد و از ایشان خواست که پی از او کسی را به همسری انتخاب کند که بتواند از عهده این مهم برآید.

پس از رحلت رسول گرامی (ص) مقداری از غم های حضرت زهرا (س) به محرومیت فرزنداناش از محبت پیامبر (ص) مربوط می شد و گاهی با قلبی سوزان، خطاب به فرزنداناش چنین می گفت: کجا رفت پدرتان. پیامبر که شما را عزیز می داشت؟ او شما را بر دوش خود سوار می کرد و به شما مهربانی می نمود. کجا رفت جد بزرگوارتان که از همه به شما مهربانتر بود آن گونه که نمی گذاشت شما بر روی زمین راه بروید و همیشه شما را در آغوش خود داشت؟ آه!! که دیگر او را نمی بینم که شما را بر دوش گرفته باشد.

9-2- توجه به بازی و تحرک کودکان

علی رغم اینکه ظهور اسلام در محیطی کاملاً بی فرهنگ و دور از تمدن بود اما برنامه و شیوه های ارائه شده از طرف اولیاء دین، همیشه با انسان ها از هر تمدن و فرهنگی سازگار است. از جمله مواردی که در شیوه ی تربیت حضرت زهرا (س) جایگاه خاصی داشت، تحرک و بازی کودکان بود این فعالیت و تکاپو به قدری برای سلامتی و رشد مناسب کودک ضروری است که حتی برای تشویق آن ها به تحرک و بازی بزرگترها نیز باید تن به بازی و جست و خیز بدهند. بازی در دوران کودکی به منزله ی واکنش کودک در برابر عوامل محیطی و بروز استعداد های نهفته او است که تاثیرات آن در کنار تقویت جسم و افزایش بنیه ی کودک، قابل توجه است. همچنین بازی در پرورش نیروی لبداع و ابتکار کودک بی نهایت موثر است. بنابراین غفلت از بازی به هیچ وجه به صلاح کودک و والدین او نیست.

هم بازی شدن رسول معظم اسلام (ص) با فرزندان دخترش حضرت زهرا (س) بیانگر این نکته ی مهم است که بازی و تحرک کودک یکی از لوازم تربیت صحیح محسوب می شود. حضرت علی و فاطمه در خانه به بازی بچه ها توجه کافی مبذول می داشتند و همین امر موجب شادابی و نشاط روز افزون آن ها می شد.

در مقابل، خانه هایی که برای کودک محیط مناسب و دلنشین برای بازی و تحرک نیست در روحیه و شخصیت اعضای خردسال آن خانه اثر نامطلوبی دارد نباید فراموش کرد که تحرک و بازی اقتضای طبیعت و سن کودک است و پدر و مادر وی وظیفه دارند شرط و لوازم این مهم را برای کودکان خود فراهم سازند. حضرت فاطمه (س) از همان کودکی با فرزنداناش همبازی می

شد. و به این نکته توجه داشت که در بازی نوع الفاظ و حرکات مادر، سرمشق کودک قرار می گیرد بنابراین باید از کلمات و جملات مناسبی استفاده کرد. علاوه بر این باید در قالب بازی های کودکانه شخصیت کودک را تقویت نمود او را به داشتن افتخارات و ارزش های اکتسابی تحریک و تمییح کرد. این ها موهون در پیش گرفتن شیوه های صحیح در این رابطه است.^۱

10-2- ارج نهادن به شخصیت فرزندان

دانشمندان روان شناس می گویند: تربیت کننده باید شخصیت کودک را پرورش دهد و اعتماد به نفس او را به او تلقین کند. او را بزرگ نفس و با شخصیت بار بیاورد. مریب اگر به کودک احترام نگذاشت و او را کوچک شمرد و شخصیت او را خرد کرد طبعاً ترسو و بی شخصیت بار می آید و خودش را زبون و بی ارزش می پندارد. هنگامی که بزرگ شد خودش را کوچکتر از آن می داند که به کارهای بزرگ اقدام کند. چنین فردی در اجتماع منشاء اثر واقع نخواهد شد. و به آسانی زیر بار ذلت خواهد رفت. اما اگر خودش را بزرگ و با شخصیت دانست به کارهای پست تن نمی دهد. و زیر بار خواری و ذلت نمی رود این شخصیت نفسانی نا حدودی به تربیت خانوادگی و روحیات پدر و مادر بستگی دارد. روان شناسان برای تقویت روحی کودک مطالبی را به تربیت کنندگان توصیه می کنند که از جمله ی آنها موضوعات زیر است:

اول: اظهار علاقه، محبت و نوازش کودک این موضوعی است که در ابتدای سخن به آن اشاره شد و گفتیم که امام حسن و امام حسین (ع) از جهت محبت پدر و مادر و رسول خدا (ص) به قدر کافی برخوردار بودند.

دوم: باید صفات خوب کودک را یادآوری کرد و او را در حضور خودش و دیگران تعریف و توصیف نمود و بزرگی نفس را بر او تلقین کرد. رسول خدا (ص) بارها فرمود:

امام حسن و امام حسین (ع) بهترین جوانان اهل بهشتند و پدرشان از آن ها بهتر است.^۲

پیغمبر اکرم (ص) به امام حسن و امام حسین (ع) فرمودند: شما ریحان خدایی هستید.^۳

«جابر» می گوید:

1 - کتاب فرهنگ فاطمیه / ص 178

2 - بحار الانوار، ج 43، ص 264

3 - بحار الانوار، ج 43، ص 281

روزی داخل خانه رسول خدا (ص) شدم دیدم امام حسن و امام حسین(ع) بر پشت آن حضرت سوارند و آن جناب با دست و پا راه می رود و می فرماید: شتر، شتر شما است و بهترین سوار شماست.^۱

«یعلی عامری» می گوید:

رسول خدا (ص) روزی امام حسین(ع) را دید که با بچه ها بازی می کند، سپس دست مبارکش را دراز کرد تا او را بگیرد. امام حسین (ع) به این طرف و آن طرف می دوید پیغمبر اکرم (ص) با شوخی و تبسم او را در بغل گرفت. آن گاه یکی از دست هایش را زیر چانه ی او و دست دیگرش را پشت گردن نهاد و دهان مبارکش را بر لب های او گذاشته می بوسید و می فرمود: حسین (ع) از من و من از حسینم، هر کس او را دوست بدارد، خدا را دوست داشته است. حسین(ع) فرزند دختر من است.^۲

حضرت علی (ع) به امام حسن و امام حسین (ع) فرمود:

شما پی شوای مردم و بزرگ جوانان اهل بهشتید و از ارتکاب گناه معصومید. خدا لعنت کند کسی که با شما دشمنی کند.^۳

حضرت فاطمه (س) روزی امام حسن و امام حسین (ع) را خدمت رسول خدا (ص) آورد و عرض کرد: یا رسول الله! امام حسن و امام حسین(ع) فرزند شما هستند چیزی به ایشان عطا کن. فرمود: هیبت و سیادت خود را به امام حسین(ع) و شجاعت وجود خودم را به امام حسین(ع) دادم.^۴

«سلمان فارسی» می گوید:

امام حسین (ع) را دیدم که بر زانوی رسول خدا (ص) نشسته بود و او را می بوسید و می فرمود: تو بزرگ و بزرگ زاده و امام و پسر امام و پدر امامان هستی. تو حجت و پسر حجت و پدر نع حجت می باشی که آخرشان قائم (عج) است.^۵

آری پیغمبر اکرم (ص) در پرورش شخصیت اولاد حضرت زهرا (س) کوشش می کرد و حضرت زهرا (س) و حضرت علی(ع) نیز از همین برنامه متابعت می کردند. هرگز نشد که کودکان را تحقیر کنند و شخصیت آن ها را در حضور دیگران کوچک سازند و ضربه و شکست به روحشان وارد نمایند. بدین علت طبعاً بزرگ و آقا تربیت شده اند.

¹ - بحار الانوار ، ج 43 ، ص 285

² - بحار الانوار ، ج 43 ، ص 271

³ - بحار الانوار ، ج 43 ، ص 265

⁴ - بحار الانوار ، ج 43 ، ص 263

⁵ - بحار الانوار ، ج 43 ، ص 295

روایت شده که:

شخصی مرتکب گناهی شد که مستوجب کیفر بود پس خودش را از رسول خدا (ص) پنهان داشت تا گاهی که امام حسن و امام حسین (ع) را در بین راه ملاقات نمود، آنان را بر دوش گرفت خدمت رسول خدا مشرف شد عرض کرد یا رسول الله! امام حسن و حسین (ع) را شفیع قرار دادم.

پیغمبر اکرم (ص) خندید و فرمود: تو را بخشیدم سپس به امام حسن و حسین فرمود: شفاعت شما را قبول کردم.^۱

برای همین عظمت نفس و بزرگی نفس بود که حضرت حسین بن علی (ع) با سپاه مختصری که داشت در مقابل سپاه بی شمار یزید پایداری کرد و مردانه جنگید و تن به ذلت و خواری نداد و فرمود:

مانند بندگان فرار نمی کنم و تسلیم خواری و ذلت نمی شوم.^۲

در اثر همین تربیت بود که حضرت زینب کبری (ع) با آن همه مصیبت هایی که دید خود را در قبال دستگاه یزید (لعنت الله و العذاب) نباخت و مرغوب آنان نشد و به وسیله ی خطبه های شورانگیزش شهر کوفه و شام را منقلب ساخت و دستگاه جبار و خونخوار یزیدیان را رسوا و مفتضح ساخت.

11-2- توجه دادن فرزندان به رعایت نظم و حقوق دیگران

از دیگر مطالبی که باید همواره مورد توجه و دقت پدر و مادر و سایر مربیان قرار گیرد که مراقب کودک باشد تا از حق خود تجاوز نکند و حقوق دیگران را نیز محترم بداند. کودک باید منظم باشد باید نظم در زندگی را به او یاد داد. باید چنان تربیت شوند که نه از گرفتن حقی عاجز باشند و نه حقوق دیگران را پایمال کند. البته شالوده این صفت در خانه و به دست پدر و مادر ریخته می شود. پدر و مادر باید نسبت به تمام کودکانشان یک جور رفتار کنند. هیچ یک را بر دیگری مقدم ندارند. بین پسر و دختر، کوچک و بزرگ، زشت و زیبا، خوش فهم و بدفهم فرق نگذارند. حتی در مورد اظهار محبت و علاقه هم با همه ی آنها یک جور رفتار کنند تا حس حسد و کینه توزی در بین شان به وجود نیاید و سرکش منجاوز بار نیایند.

اگر کودک دید در خانه ی خودشان کاملاً حقوق افراد مراعات می شود می فهمد که در اجتماع هم باید حقوق افراد را محترم شمارد. اما اگر در خانه هرج و مرج بود و حقوق افراد مراعات نشد خوی سرکشی و تجاوز در کودک تقویت می شود. اگر کودک در مغازه نانوايي یا در مواقع سوار

¹ - بحار الانوار ، ج 43 ، ص 318

² - دانستنی های فاطمی، ج 1، ص 270؛ به نقل از مقتل ابی مخنف ، ص 46

شدن به اتوبوس سا در هنگام رفتن به کلاس و بیرون آمدن از مدرسه نوبت دیگران را رعایت نکرد و حق دیگران را تضییع نمود پدر و مادر و مربیان دیگر او را در این عمل تشویق کردند، به آن کودک معصوم خیانت نموده اند زیرا از آغاز کودکی می پندارد که زورگویی و تعدی بر دیگران و تقدم بی جهت یک نوع زرنگی و هنراست. چنین فردی وقتی وارد اجتماع شد یا در راس کاری قرار گرفت تمام مقصدش کوبیدن و پایمال کردن حقوق دیگران خواهد بود و به غیر از نفع شخصی خودش هیچ هدف و منظوری نخواهد داشت.

درس مراعات حقوق دیگران به طور کامل در خانه ی حضرت زهرا (س) اجرا می شد به قدری در این باره دقت می شد که حقوق و نظم را در کوچکترین موارد مراعات می کردند. از باب نمونه؛ علی بن ابی طالب (ع) می فرماید:

روزی پیغمبر اکرم (ص) در منزل ما استراحت می کردند، امام حسن (ع) آب خواست رسول خدا (ص) برخاست قدری شیر دوشید و در ظرفی کرده و به امام حسن (ع) داد امام حسین (ع) از جای خویش بلند شد خواست کاسه ی شیر را از دست امام حسن (ع) بگیرد اما پیغمبر اکرم (ص) جلوی امام حسین را گرفت و گذاشت شیر را از امام حسن (ع) بگیرد. حضرت زهرا (س) که این منظره را تماشا می کرد عرض کرد یا رسول الله گویا امام حسن (ع) را بیشتر دوست داری؟ پاسخ داد: چنین نیست، بلکه علت دفاع من از امام حسن این است که او حق تقدم دارد و زودتر از امام حسین (ع) تقاضای آب کرده و باید نوبت را مراعات نمود.¹

12-2- امید دادن به فرزندان در اجابت خواسته های مشروع

حضرت فاطمه (س) در برخورد با فرزندانش کاملاً مراقب بود و نکات تربیتی را خیلی خوب رعایت می کرد. خواسته های فرزندان را به گونه ای پاسخ می داد که آن ها احساس کمبود یا حقارت در خود نکنند.

به عنوان مثال، روایتی است از شیخ مفید که حضرت ثامن الائمه (ع) فرمود: روزی امام حسن (ع) و امام حسین (ع) از کهنگی لباس خود به مادر شکایت کردند و ایام عید نزدیک بود. گفتند: ای مادر! اطفال عرب به انواع جامه های فاخر مزین گشته اند و به آن مفاخرت می نمایند. شما چرا برای ما لباس نو تهیه نمی کنید؟!

عزیزانم من در اندیشه شما هستم و امیدوارم تا هنگام عید خیاط لباس های شما را دوخته به شما برساند آن دو بزرگوار منتظر بودند تا آنکه شب عید شد باز همان لباس نو را مطالبه کردند حضرت فاطمه ایشان را تسلی داد به گوشه ای آمد از روی خضوع و خشوع دست نیاز به درگاه خداوند بلند کرد و عرض کرد ای خدای مهربان تو قادری دل فرزندان مرا خوش نمایی که من

به ایشان وعده داده‌ام به امید فضل تو. هنوز سخنان حضرت فاطمه تمام نشده بود که شخصی در خانه را زد حضرت فاطمه پشت در آمد فرمود: کیستی؟
عرض کرد منم خیاط؛ جامه‌های حسنین را آورده‌ام فاطمه زهرا (ی) دید شخصی بچه‌ای در زیر بغل دارد و تسلیم آن بانو نمود چون آن را گشود دو عمامه دو دراعه دو قبا و دودید حضرت صدیقه زبان به شکر و ثنای رب گشود.
فرزندان عرض کردند ای مادر هیچ یک از کودکان عرب لباس بدین لطافت ندیده‌اند و نپوشیده‌اند در آن هنگام رسول خدا تشریف فرمای سرای حضرت فاطمه (س) شد و حسین را در بر گرفت می‌بوسید سپس فرمود ای فاطمه این خیاط را شناختی؟
عرض کرد: به خوبی او کسی را ندیدم.

حضرت فرمود آن خازن بهشت بود و تا این قصه را به من خبر نداد به آسمان عروج ننمود^۱
مطلبی که از این برداشت می‌شود اینکه: امید به فضل خداوند در انسان همیشه باید زنده باشد و نباید از درگاه خداوند ناامید بود اگر انسان از خداوند بخواهد و طلب کند خداوند اجلبت می‌کند و بندگانش را ناامید از درگاهش بر نمی‌گرداند.
و مطلب دیگر که بسیار مهم است برخورد حضرت با فرزندان را نشان می‌دهد اینکه حضرت به فرزندش دم از فقر و نداری نمی‌زند که بدین وسیله به روحیه فرزندانش ضربه وارد نشود و احساس کمبود و عقده حقارت در خود نکنند بلکه فرزندانش را هم با میدواری به اینکه در آینده به زودی خواسته شان برآورده می‌شود شاد و خوشحال می‌کند.

13-2- توجه به حضور و غیاب فرزندان

بی توجهی نسبت به نظارت بر فرزندان به خصوص در رفت و آمدهای آنها نتایج زیان باری به دنبال دارد با توجه به خطرات و تهدیدهایی که هر لحظه سعادت یک جوان را در معرض نابودی قرار می‌دهد لازم است رفتار آنها به ویژه موقع ورود به خلنه و زمان خروج از آن مورد دقت و بررسی قرار گیرد گفتنی است که اعتیاد، فساد، انحرافات فکری و بسیاری از خطرات دیگر از همین بی توجهی پدر مادر آغاز می‌شود حضرت فاطمه با فداکاری و محبت خاصی که نسبت به فرزندانش نشان می‌داد مراقب تمام حرکات و سکنات آنها بود و به دقت رفت و برگشت آنها را زیر نظر داشت. نقل شده است که:

روزی پیامبر عازم خانه دخترش حضرت فاطمه گردید چون به خانه رسید دید حضرت فاطمه مضطرب و ناراحت پشت در ایستاده است آن حضرت فرمود چرا اینجا ایستاده‌ای؟!

حضرت فاطمه (س) با آهنگی مضطرب عرض کرد فرزندانم صبح بیرون رفته‌اند و تاکنون از آنها خبری ندارم پیامبر به دنبال آنها روان شد چون به نزدیک غار کوه رسید آنها را دید که در کمال سلامت و آرامش مشغول بازی‌اند آنها را بر دوش گرفت و به سوی خانه فاطمه روانه شد.^۱ این واقعه خود نمونه‌ای گویا از توجه و اهمیت دادن حضرت زهرا به حضور فرزندان خرد سالش بود.

14-2- تعلیم فرزندان به نوع دوستی و رعایت حقوق همسایگان

از جمله روش‌های تربیتی حضرت فاطمه نوع دوستی او بوده است که در برابر چشمان بین فرزندان به مردم کمک می‌کرد و خود گرسنه می‌ماند ولی دیگران را سیر می‌نمود.^۲

حضرت فاطمه گردن‌بندش را به فقرا ایشار کرد و آنان را مورد نوازش قرار داد و از پول آن پارچه‌ها خریداری شد و برای بی‌لباس‌ها، لباس‌ها، سب‌تهیه گردید. پرده‌های خانه‌اش در اختیار پیامبر خدا قرار گرفت و از آن عریان‌ها پوشانده شد و حدیث «فاطمه بضعه منی» در آن حضرت صادر گشت نه تنها در مسائل اقتصادی و رفع مشکلات روزمره مردم پیشگام بود حتی از نظر اخلاقی عواطف انسانی، ارشاد، هدایت مردم نیز به کمک آنان می‌شتافت مصالح مردم را پیگیری می‌کرد در حقشان دعا می‌فرمود و از این طریق فرزندان خویش را با چنین عواطف اسلامی پرورش می‌داد

حضرت امام حسن می‌فرماید شبی مادرم را دیدم که تا صبح به عبادت پرداخت و مرتب مومنین و دیگران را دعا می‌کرد ولی در حق خود ساکت بود از علت آن پرسیدم فرمود اول هم سایه سپس خودمان^۳

در یک قضیه تاریخی دیگر آمده است

حضرت فاطمه زهرا همچون امیرالمومنین برای بهبودی امام حسن و امام حسین از مریضی سه روز روزه نذر کرده بود و هنگام انجام دادن آن مجبور شد برای یک نفر یهودی به نام شمعون در خلنه خودش کار استیجاری نمود و از اجرت آن‌نان جو تهیه نماید چنانکه در تف‌سیر سوره؟ آمده است حضرت فاطمه و حضرت علی و دیگر خانواده او سه روز روزه گرفته و هر شب موقع افطار غذای خویش را به ترتیب به مسکین یتیم و و اسیر دادند به همین سوره در مناقب آن حضرت و سایر اهل بیت نازل گشت...^۴

1 - فرهنگ فاطمیه (س)، ص 180

2 بحارالانوار، ج 41، ص 34

3 - وسائل الشیعه، ج 7، ص 113، م 7؛ بحار ج 43، ص 81

4 - فرائد المسطین، ج 2، ص 54، ش 383؛ بحارالانوار، ج 53، ص 237، تفاسیر مختلف ذیل آیات مربوطه

اگر امام حسن سه بار اموالش را با فقرا تقسیم نمود و دوباره خلع ید کرده است در دامان پرمهر و انسان ساز مادرش حضرت فاطمه پرورش یافته ... «خَرَجَ الْحَسَنُ (ع) مِنْ مَالِهِ مَرَّتَيْنِ وَ قَاسَمَ اللَّهُ مَالَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ»¹

15-2- توجه به سلامتی فرزندان : یکی از عوامل موثر در سلامت و نشاط روحی و جسمی کودک تغذیه سالم حلال و دو ست دشتنی برای او یعنی شیر مادر است که البته این امر تاثیرگذار در شخصیت انسان های بزرگ می باشد با دقت در سیره فاطمه زهرا در می یابیم که امر تغذیه کودکان دقیقاً مورد توجه ایشان بوده است.

علاوه بر این نباید از تاثیرگذاری متقابل روح و جسم غافل بود بی شک یک جسم بیمار روح را پژمرده و بی نشاط می سازد همانگونه که روح اف سرده موجب اخلال در فعالیت های بدن می گردد بارها در تاریخ خوانده ایم که:

گاه حضرت فاطمه زهرا شکم فرزندان را به قیمت گر سنگی خود سیر می کرد زمانی که مسلمانان به علت کمبود آب سخت در مضیقه بودند فاطمه حسن و حسین را نزد پیامبر برد و عرض کرد ای رسول خدا فرزندان من خرد سالند و تحمل تشنگی در توان آن ها نیست. پیامبر (ص) که نگرانی دخترش را در این رابطه، به جا و به موقع دید، زبان مبارکش را در دهان امام حسن و امام حسین (ع) قرار داد و با تر کردن دهان آن ها حضرت زهرا (س) را از نگرانی درآورد و آن طفل کوچک را نیز از تشنگی مفرط نجات داد.

یکی از وظایف والدین به ویژه مادر مراقبت از سلامتی جسمی فرزندان است. حضرت زهرا (س) به عنوان مادری نمونه در این مورد حساسیت خاصی داشتند که نمونه ای از آن در قصه سوره ی «هل اتی» و مریضی حسنین (ع) و نذر سه روز روزه ی فاطمه (س) برای بازگشت سلامتی و صحت به فرزندان خود می باشد.

16-2- استفاده و به کارگیری عوامل معنوی برای حل معضلات و مشکلات

یکی از متدها اصول حاکم بر زندگانی حضرت زهرا دخالت دادن عوامل معنوی در شئون زندگی مادی می باشد عقیده مندی حضرت به تاثیر عوامل معنوی و به کارگیری آنها در جای جای زندگی آن بانوی با کرامت و با فضیلت جلوه گری دارد. به چند مورد از آن اشاره می کنیم

الف) هنگامی که امام حسن و امام حسین مریض شدند حضرت زهرا برای شفای آنان از عوامل معنوی نذر کردن استفاده نمودند که جریان سوره هل اتی به این واقعه نذر حضرت می پردازد.

¹ - العدد القویه لدفع المخاوف الیومینه ، ص 29

از وظایف والدین دقت در سلامت جسم و جان فرزندان است حضرت زهرا به عنوان الگو و مادر نمونه با حساسیت بالایی این مسئله را پیگیری می کرد و چنانچه فرزندان بیمار می شدند با توکل به خدا و دعا به درگاه او برای آنها طلب سلامتی کرد همانگونه که ابن عباس می گوید > سنین بیمار شدند پیامبر با جمعی از یاران به عبادتش آمد و به > حضرت علی گفتند ای ابالحسن خوب بود نذری برای شفای فرزندان خود می کردی > حضرت علی و فاطمه و فاضه خادمه نذر کردند که اگر آنها شفا یابند سه روز روزه بگیرند.

قالت: «ان بدی الوالدی مهابهما صحت الله ثلاثه ایام شکرا»

اگر فرزندانم شفا یابند سه روز برای خدا جهت شکرگزاری روزه^۱ خواهم گرفت^۲

ب) تقاضای دعا از پیامبر برای شفای فرزندان

امام > سن مریض شد و درد و بی تابی آن بزرگوار بالا گرفت > حضرت زهرا فرزند عزیزش را خدمت رسول خدا برده و فرمود: «یا رسول الله ادع الله لابنک ان یشفیه» ای رسول خدا پروردگارت را بخوان تا فرزندت را شفا دهد^۳

ج) استفاده از تعویذات^۴ و دعاها برای حفظ فرزندان

از حضرت زهرا نقل است رسول خدا امام حسن و امام حسین را تعویذ می کرد و همانگونه که آیات قرآن را تعلیم می داد این کلمات تعویذ را نیز به آنان می آموخت و می فرمود: «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ، مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَةٌ» من از شر هر شیطانی و هر گرفتاری و از هر چه شمی سرزنش کننده به کلمات تامه خداوندی پناه می برم^۵. روزی پیامبر اکرم نزد فاطمه آمد دید که امام حسن بیمار است بسیار ناراحت شد جبرئیل نازل شده گفت ای محمد آیا حرز و دعایی به تو بیاموزم که آن را بخوانی تا بیماری اش بهبود یابد؟ فرمود: آری! گفت: بگو

اللهم لا اله الا انت العلی العظیم ذو ال سلطان القدیم و المن العظیم و الوجه الکریم لا اله الا انت العلی العظیم ولی الکلمات التامات و الدعوات المستجابات خل ما أصبح (بغلان)^۶

1 - در نذر باید نام خدا برده شود و صیغه و لفظ به کار برده شود. نذر بدون صیغه و لفظ از جمله نذرهایی است که اساس درستی ندارد و منعقد نمی شود. همانطور که می بینیم حضرت زهرا در نذرشان نام خدا و نوع نذر را بر زبان جاری نموده اند.

2 - نهج الحیاه؛ ص 158، ج 86؛ بحارلنوار، ج 35، ص 245؛ کشف الغمه، ص 46

3 - نهج الحیاه، ص 150

4 - تعویذات جمع تهویذ - به معنای دعاهایی است که بر کاغذ می نویسند و برای دفع چشم بد و رفع بلا با خود حمل می کنند. (نقل از فرهنگ عمید)

5 - فاطمه زهرا (س)، شادمانی دل پیامبر (ص)، ص 429

6 - مهج الدعوات، ص 141 و 142

حضرت رسول (ص) این دعا را خواند و بعد دست مبارکش را بر پیشانی امام حسن (ع) گذاشت،
که به یاری خداوند بهبود یافت

نتیجه گیری

یکی از مهم ترین مسائل در عصر امروز، تربیت فرزند است که باید طبق اصول و روش های منطبق بر فطرت کودک انجام شود. اسلام هم برای تربیت و تعالی انسان ها، بر الگو تاکید نمود؛ زیرا شخصیت الگو به عنوان یک نکته کانونی در محور رشد و هدایت اخلاقی تربیتی قرار می گیرد و در شکل گیری رفتار تربیت شونده، آثار زیادی بر جای می گذارد. به همین دلیل قرآن کریم الگوهای صحیحی را تعیین نموده و بر پیروی از ایشان سفارش کرده است برای رسیدن به چنین الگوی تربیتی بهترین و نزدیک ترین راه، استفاده از سرچشمه وحی و خاندان پاک و صمت و طهارت (ع) است. زندگی حضرت فاطمه زهرا (س) سرشار از تو صیف های اخلاقی، اعتقادی و عبادی است که التزام به آنها باعث تربیت و تقویت خانواده و در نتیجه تربیت فرزندان نیکو می شود حضرت فاطمه (س) بانوی بزرگی بود که توانست نسل امام تربیت کند و فرزندانانی شهادت طلب و فدایی اینک در مواقع حساس و لازم از جان خود برای اسلام مایه بگذارند و جلو مقاصد شوم را بگیرند.

منابع

- 1- ابراهیم زاده ، عیسی ، فلسفه تربیت ، چاپ دوازدهم ، تهران ، دانشگاه پیام نور ، 1392
- 2- ابن طاوس ، علی بن موسی ، غم نامه کربلا ، ترجمه: محمد اشتیاری ، نشر ، مطهر ، چاپ دوم 1387
- 3- منهج الدعوات و منهج العبادات ، نشر : انوار الهدی 1387
- 4- ابن بابویه ، محمد بن علی ، عیون اخبار الرضا علیه السلام ، نشر : دارالکتاب الاسلامیه ، چاپ اول 1384
- 5- من لایحضره الفقیه ، تهران ، دارالکتاب الاسلامیه ، 1390 ق ، 1343 ش
- 6- الخصال ، مترجم: یعقوب جعفری ، نشر: اندیشه هادی 1385
- 7- امالی شیخ صدوق، مترجم: محمدباقر کمره ای ، ناشر: کتابچی ، 1390
- 8- اربلی ، علی بن موسی ، کشف الغمه فی معرفه الائمه ، ناشر : (بی جا) مکتبه الحیدریه ، 1427 ق
- 9- انصاری ، عذرا ، جلوه های رفتاری حضرت زهرا (س) ، نشر بوستان ، کتاب 1377
- 10- آقابابایی ، مهدی ، تربیت فرزند از دیدگاه حضرت زهرا (س) ، قم ، نشر: عطر عترت 1395
- 11- بهشتی ، محمد ، فرهنگ فارسی امید ، تهران انتشارات خرداد 1370
- 12- مبانی تربیت در قرآن ، تهران ، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- 13- جوینی خراسانی ، ابراهیم ، محمدباقر محمودی ، فرائد السمطین
- 14- حاجی ده آبادی ، محمدعلی ، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام ، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص) 1398
- 15- حسینی زاده ، سیدعلی ، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت (ع) ، ناشر : پژوهشکده حوزه و دانشگاه 1394 و چاپ یازدهم 1381
- 16- حر عاملی ، محمد بن حسن ، وسائل الشیعه ، قم : موسسه آل بیت علیهم السلام الحیاة التراث ، 14 ق
- 17- الفصول المهمه فی اصول الائمه (تکمله الوسائل) نشر: قم ، موسسه معارف اسلامی امام رضا(ع). 1418 ق = 1376
- 18- حلی ، رضی الدین علی بن یوسف ، العدد القویه لدفع المخاوف الیومیه ، نشر: قم ، مکتب ایت الله المرعشی العامه ، 1408 ق = 1366

- 19- خمینی ، محمدحسین بنی هاشم ، توضیح المسائل، مراجع ، ناشر : دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه ی علمیه قم ، چاپ دوم 1394.
- 20- دهخدا ، علی اکبر ، لغت نامه دهخدا ، تهران: مدرسه انتشارات ، چاپ دوازدهم شگاه تهران 1373 و چاپ دوم 1377.
- 21- دشتی ، محمد ، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه(س) از مجموعه نهج الحیاه ، نشر: ناشر: 1398
- 22- رهنمایی ، سید احمد ، فلسفه تعلیم و تربیت ، ناشر : سازمان سمت 1396
- 23- رحمانی همدانی ، احمد ، فاطمه زهرا (س) ، شادمانی دل پیامبر (ص) مترجم: سید حسن افتخارزاده سبزواری ، ناشر : بدر 1373
- 24- شیخ صدوق، علل الشرایع ف نشر: قم مکتب الحیدریه 1383 = 1425 ق
- 25- شافی ، یوسف بن حاتم ، الدرالنظیم فی مناقب الائمه اللهمیم. ناشر : موسسه اندیشه اسلامی
- 26- صدیق ، عیسی ، تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر ، تهران انتشارات دانشگاه تهران 1388 ش
- 27- صالحی ، غلامرضا، روش های تربیتی از دیدگاه امام هادی (ع) یادداشت مقاله
- 28- طریحی ، فخرالدین بن محمد ، مجمع البحرین ، نشر: مژتصوی 1362
- 29- طباطبائی ، محمد حسین ، ترجمه تفسیرالمیزان ، نشر : دفتر انتشارات اسلامی ، چاپ قم 1374
- 30- عمید ، حسن ، فرهنگ فارسی عمید ، تهران ، انتشارات امیر کبیر 1376
- 31- علی ابن ابیطالب ، غررالحکم ، نشر: دارالکتاب الاسلامیه 1410 قمری
- 32- غزالی ، اصفهانی ، دانستنیهای فاطمی ، نشر: قم عطر عترت 1388
- 33- فیض کاشانی ، محمدبن شاه مرتضی ، مهدی انصاری ، نوادر الاخبار فی مایتعلق بالاصول الدین نشر دلیل 1385
- 34- فیضی ، آصف ، دعائم الاسلام، نشر: مصر: دارالمعارف ۱۳۸۹ق
- 35- فیومی ، احمدبن محمد، المصلح المنیر فی غریب ال شرح الکبیر الرافعی، نشر : قاهره، دارالمعارف ۱۳۹۷ ق
- 36- قائمی، علی، زمینه تربیت ، تهران ، ۱۳۵۶
- 37- قائمی مقدم ، محمدرضا ، روش های تربیتی در قرآن، نشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ : قم ۱۳۹۴، ۱۳۹۱

- ۳۸- کاظم زاده، ایراد شهر، ح سین، اصول اساسی فن تربیت، چاپ دوم، اقبال ۱۳۵۵ و چاپ
چهارم تهران
- ۳۹- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، نشر: بیروت دارالتعارف المطبوعات ۱۴۱۱ق
- ۴۰- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر ۱۳۷۶
- ۴۱- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، مدرسه انتشارات صدرا نشر ۱۳۸۲
- ۴۲- مجموعه آثار استاد شهید مطهری، قم، انتشارات صدرا، بی تا
- ۴۳- سیری در سیره بندی، چاپ بیست و نهم، تهران، صدرا ۱۳۸۴
- ۴۴- مجلسی، محمدباقر، بجاالانوار، ناشر: دارالاحیاء التراث العربی، چاپ اول، (۱۳۰۷ - ۱۱۱۰)
- ۴۵- نوری، ح سین بن محمدتقی، مستدرک الو سائل، نشر: قم، موسسه آل بیت (ع) الاحیاء
التراث، ۱۴ق
- ۴۶- نیلی پور، مهدی، کتاب فرهنگ فاطمیه، انتشارات مدرس ۱۳۸۰
- 47 واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمه اصفهان، دانستنیهای کودکان، نشر: اصفهان
1388
- 48- هوشیار، محمدباقر، اصول آموزش و پرورش، تهران، دانشگاه تهران 133